

آن‌گونه که چینِ مائوئیست از فلسطین حمایت کرد



منتشر شده در الديمقراطية الشعبية
ترجمه از عربی: ژویور چشمه‌چین

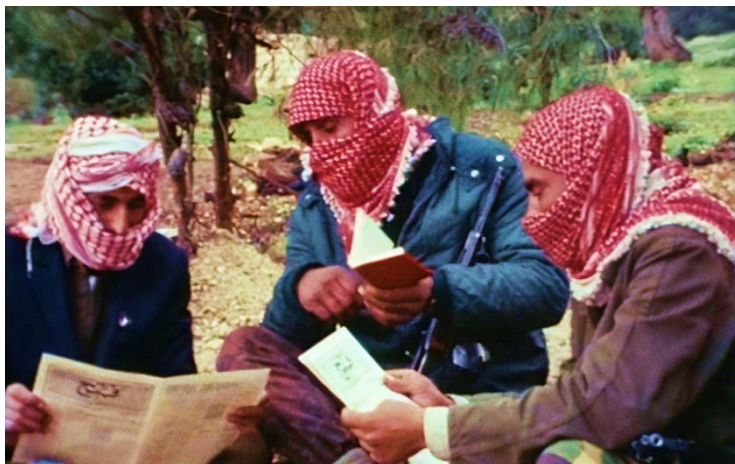




دَر گَنْدُمزار زَنجَرِه می خوانند...

[مسئله فلسطین] فقط مربوط به اسرائیل نیست، بل به کسانی که پشت اسرائیل ایستاده‌اند نیز مربوط می‌شود. بنابراین، مسئله اسرائیل و فلسطین، مسئله‌ای جهانی است. به‌ویژه در ارتباط با ایالات متحده آمریکا.

- صدر مائو؛ در نشستی درباره کنگو و فلسطین -



چند ماه پیش، سندی محرمانه پیدا شد که به نقش چین در حمایت از انقلاب فلسطین و فرستادن تسلیحات و منابع مورد نیاز برای مردم فلسطین در دهه ۶۰ پرداخته بود، در همان سال‌ها صدر مائو به اهمیت مقابله با امپریالیسم و هژمونی امپریالیسم در خاورمیانه تأکید کرده بود.

پیامد جنگ ۱۹۸۲ لبنان و عملیات نظامی در بیروت، محدود به سازمان‌های لبنانی نبود، ارتش اسرائیل به دفترهای ساف هم یورش برد. در جریان یورش‌های پیاپی، نیروهای اسرائیلی به سندهای همکاری ساف و چین دسترسی پیدا کردند؛ این اسناد حاکی از همکاری‌های نظامی در سطوح مختلف بود؛ از تمرین‌های نظامی گرفته تا آموزش تاکتیک‌های نظامی و ساخت مواد منفجره و ارسال سلاح از چین به لبنان.

اوایل دهه هفتاد بود که چین در ابعاد گسترده ارسال سلاح به فلسطین را آغاز کرده بود و موساد ارزش احتمالی سلاح‌ها را فقط در سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۰، ۵ میلیون دلار یعنی ۳۳ میلیون دلار به قیمت امروز تخمین زده بود، انبار مهمات فلسطینی‌ها پر شده بود از نارنجک و سلاح‌های چینی و حتی سلاح‌های ساخت شوروی که توسط چین ارسال شده بودند. قابل توجه است که چین بابت هیچ یک از این سلاح‌ها حتی یک قران هم نگرفته بود!

حمایت چینی‌ها اما به تسلیحات محدود نشده بود، روزنامه هآرتس در همان سال‌ها نوشته بود که افسرهای ساف برای تمرین‌های فشرده به آکادمی‌های نظامی در چین فرستاده می‌شوند، پروفیسور شیشور نه تنها حمایت ایدئولوژیک و نظامی چین از آرمان فلسطین را تکذیب نمی‌کرد، بلکه حتی معتقد بود ساف این حمایت‌ها را به شیوهٔ درستی به کار نمی‌بندد، وگرنه نتیجهٔ درگیری‌های متعدد فلسطین و اسرائیل تماماً به نفع فلسطین بود.

لیلیان کریگ هریس، پژوهشگر و مورخ، در سال ۱۹۷۷ به نقش‌آفرینی اساسی و مهم چین در قدرتمندشدن ساف اشاره می‌کند؛ با این حال، اگرچه چین بزرگترین حامی آرمان فلسطین بود، اما این امر دربارهٔ دیگر کشورها به‌ویژه شوروی که حمایت کمی از جنبش می‌کردند صادق نبود.

در دههٔ شصت بود که چین کمک‌های مالی‌اش را از طریق سوریه به فلسطین آغاز کرد. دیری نپائید که چین حمایت رسمی خود از جنبش فلسطین را اعلام می‌کند و در ۱۹۷۱ روز همبستگی با فلسطین را جشن می‌گیرد.

به‌زودی چین تبدیل به نخستین کشور غیر عربی شد که رابطهٔ اصولی با ساف برقرار می‌کرد؛ هریس به سفر الشقیری بنیان‌گذار ساف به چین در ۱۹۶۵ هم اشاره می‌کند؛ طی این دیدار بود که مشخص شد ساف تمایل زیادی به برقراری رابطه با پکن دارد و پکن هم در بیانیه‌ای مشترک با ساف، حمایت بی‌چون‌وچرای خود از فلسطین را به احمد الشقیری اعلام کرد. اسرائیل اما در پاسخ به این بیانیهٔ مشترک که از کمک در عملیات‌ها تا تربیت کادر زده توسط آکادمی‌های چینی صحبت می‌کرد، ساکت نماند و در سازمان ملل رأی خود را علیه چین و به نفع

تایوان اعلام کرد؛ اما این تنها پیامد حمایت نظامی رسمی از فلسطین نبود! طولی نکشید که تمام کشورهای عربی به جز عراق، از دریافت تسلیحات چینی و تحویل آن‌ها به فلسطین سر باز زدند؛ اکثر این مخالفت‌ها به خاطر نفوذ شوروی در این کشورها و دعوای میان شوروی و چین بود.

تأکید مائو بر مسئله فلسطین در چارچوب مبارزه با امپریالیسم، دیگر احزاب کمونیست که از رویزیونیسم و سوسیال‌امپریالیسم شوروی تبعیت نمی‌کردند را نیز به مبارزه برای رهایی فلسطین سوق داد. در ۱۹۶۵ مائو در گفتگو با یکی از نمایندگان ساف به او توضیح داد که: «هم کشور شما و هم کشور ما در حال مبارزه با امپریالیسم هستند؛ شما در خط مقدم آسیا در حال مبارزه با امپریالیسم اسرائیل هستید که از خلق عرب می‌ترسد، و ما پشت شما در حال مبارزه با امپریالیسم تایوان. هردوی این کشورها برای سلطه امپریالیسم ضروری‌اند. غرب، تایوان را برای ما و اسرائیل را برای شما پدید آورده است. شما باید همیشه این نکته را به خاطر بسپارید که مبارزه اعراب با اسرائیل، مبارزه اعراب با غرب است، پس خلق عرب باید آمریکا و اروپا را بایکوت کنند.»

علاوه بر مبارزه با امپریالیسم آمریکا، چین حمایت از فلسطین را در راه مبارزه با سوسیال‌امپریالیسم شوروی در خاورمیانه نیز می‌دید. چین مائونیست برای مقابله با این دو، چاره‌ای جز افزایش نفوذ و هژمونی خود در خاورمیانه و جهان سوم نمی‌دید. میرون میدزینی، پروفیسور اسرائیلی، در جایی تأکید کرد که «برای چین، مسئله فلسطین فرصتی فوق‌العاده بود که از طریق آن به مبارزه علیه آمریکا،

اسرائیل، و امپریالیسم پردازد، و همچنین با صادر کردن انقلاب، برای رویزیونیسم شوروی بحران ایجاد کند.»

در همین زمان بود که مطالعه آثار مائو توسط کادر رهبری ساف و الفتح به اعضای حزب پیشنهاد شد. الفتح تمام نیروی تنوریک خود را صرف مطالعه آثار مائو و مدل چینی انقلاب کرد. مفاهیم مائوئیستی کم و بیش در تمامی آثار تنوریک فتح و دیگر احزاب فلسطینی به چشم می خوردند.

پس از جنگ شش روزه، نفوذ چین در بین احزاب فلسطینی شدیداً افزایش یافته بود. چین موقعیت را برای مبارزه مسلحانه توسط فلسطینیان، مناسب تر از هر زمانی می دید.

اوایل دهه هفتاد بود که جبهه خلق برای آزادی فلسطین، شروع به یادآوری نقش چین در مبارزات سال های اخیر کرد. شعارهایی مثل «چین بهترین رفیق ماست».

در کنار این ها، ساف و جبهه خلق ترجیح می داند روابط دوستانه خود را نه فقط با چین، بلکه با شوروی هم حفظ کند. پروفیسور شیشور روی این نکته تأکید می کند که «فلسطینی ها تجهیزات و سلاح های شوروی را به تجهیزات چینی ترجیح می دادند»؛ چین با سنجیدن این شرایط و به این امید که دوستی خود را با فلسطین از این هم صمیمانه تر نگه دارد، اشاره می کرد که شوروی با اسرائیل روابط دوستانه ای دارد. چین مائوئیست به فلسطینی ها یادآوری می کرد که شوروی یکی از نخستین کشورهایی بود که از تأسیس اسرائیل حمایت کرد.

تمام این روابط دوستانه با فلسطین، پس از مرگ رفیق مائو به سرانجام خود رسید. هرچند دنگ هیچ گاه از اسرائیل حمایت مستقیمی نکرد؛ اما حمایت از آرمان فلسطین به کلی محو شد.

موضع چین مائوئیست در قبال فلسطین، همان موضع انترناسیونالیسم انقلابی بود؛ چین مائوئیست رسماً حمایت‌اش از خلق‌های تحت ستم را اعلام می‌کرد؛ [هیچ‌گاه] حمایت مالی، تسلیحاتی و ایدئولوژیک خود را از آن‌ها دریغ نمی‌کرد.

این موضع، سدی بود در برابر رویزیونیسم شوروی، که به امپریالیسم غربی امکان استثمار و سرکوب شدیدترِ خلق‌های تحت ستم در جهان سوم و مستعمره‌ها و نیمه‌مستعمره‌ها را می‌داد.

چین مائوئیست با مواضع بین‌المللی خود در حمایت از مبارزات خلق تحت ستم، این ارتباط را در تمام مواضع خود نسبت به مسائل آزادی ملی در مستعمرات و شبه‌مستعمرات حفظ کرد. به عنوان مثال، گزیده‌ای از سخنان مائو در نشستی دربارهٔ کنگو و فلسطین، این مسئله را نشان می‌دهد:

سؤال: ما در کشورمان درگیر مبارزه با امپریالیسم هستیم و از حمایت چین سیاسگزاریم. آیا می‌توانید دربارهٔ وضعیت آفریقا، مانند کنگو چیزی بگویید؟

مائو: امروزه در آفریقا مبارزه‌ای قوی علیه امپریالیسم وجود دارد. امپریالیست‌ها از این موضوع خوشحال نیستند. کنگو باید متعلق به خلق کنگو باشد، به خلق لومومبا. لومومبا به‌طور فیزیکی کشته شد، اما تفکر او نمرده است. ما از مبارزهٔ مخلوق کنگو نه در خفا، بلکه علناً حمایت می‌کنیم. ما به‌صراحت از مبارزاتشان

علیه دشمنانشان حمایت می‌کنیم و دل‌هایمان همیشه با خلق تحت ستم است. ما به یک سو تمایل داریم. برخی فکر می‌کنند ما بی‌طرف هستیم و از ما می‌خواهند که به هر دو طرف به‌طور برابر نگاه کنیم. آن‌ها می‌گویند که ما باید با امپریالیسم و خدمت‌گزاران آن به‌طور برابر برخورد کنیم. ما این کار را نخواهیم کرد. ما فقط به یک سو تمایل داریم. اگر بگویند شما جانب‌دار هستید؛ بله، ما جانب‌دار هستیم. برای مثال، دقیقاً جانب اعراب فلسطینی را می‌گیریم، همان‌طور که در کنفرانس دهم چنین کردیم.

سؤال: نظر شما دربارهٔ محروم کردن اعراب فلسطینی از سرزمینشان چیست؟

مائو: ما از آن‌ها حمایت می‌کنیم (تشویق شدید جمعیت). اعراب فلسطینی باید به میهن خود بازگردند. ما روابط دیپلماتیکی با دولت اسرائیل نداریم. عرب‌ها اکثریت مطلق هستند [سؤال‌کننده عرب بود]. تمام ملت‌های عرب، مخالف اخراج شهروندان عرب خود از فلسطین هستند. اگر در کنار شما نیستیم، مرتکب اشتباه بزرگی خواهیم شد. به همین دلیل ما با شما هستیم؛ اما این فقط مربوط به اسرائیل نیست، بل به کسانی که پشت اسرائیل ایستاده‌اند نیز مربوط می‌شود. بنابراین، مسئلهٔ اسرائیل و فلسطین، مسئله‌ای جهانی است. به‌ویژه در ارتباط با ایالات متحده آمریکا.



@zanjarehh : ما را در تلگرام دنبال کنید